اسلام شناسی در غرب

همتی، همایون

مباحثه میان ادیان مختلف و تاثیر پذیرفتن یکی از دیگری در اثر گفت و گو سابقه‏ای‏ دراز-شاید به درازای عمر خود ادیان،یا اولین ملاقات پیروان آنها با یکدیگر-دارد.در این میان بی شک باید برای مناظراتی که اندیشمندان و متکلمان دو دین بزرگ ابراهیمی‏ یعنی اسلام و مسیحیت،با هم انجام داده‏اند،جایگاه ویژه‏ای قایل شد.

روابط میان این دو دین آسمانی برای قرنها-به دلایل مختلف-هم تیره و هم مبهم‏ بود.عدم امکان برقراری روابط نزدیک و مستمر میان پیروان آنها،جنگهای گاه خونین و طولانی‏ای که میان آنها در گرفته است،وجود نوعی احساس رقابت حتی در تسخیر و تسلط بر مناطق جغرافیایی و برخی منازعات ریشه‏دار و پیچیده کلامی در اصول و اعتقاد، بر آتش این ابهام و تیرگی می‏افزوده و آن را شعله‏ورتر می‏ساخته است.

اما در دهه‏های اخیر،روابط این دو دین به طرز قابل توجهی دگرگون شده و نشانه‏های‏ امیدوار کننده‏ای از تفاهم و همدلی میان پیروان آنها پدیدار گشته است.علت این مساله‏ هم البته واضح است.از آغاز قرن بیستم بویژه،دیگر مساله اصلی برای پیروان ادیان‏ مختلف این نبود که فی المثل،مسیحی باشند یا مسلمان؟تحت تاثیر رشد بی‏امان‏ تکنولوژی و هجوم فرهنگ اباحه و لا قیدی در غرب،مساله جدیدی به وجود آمده بود: مردم باید دیندار باشند یا ملحد؟!همه ادیان نسبت به این موج ضدیت با دین،احساس‏ نگرانی می‏کردند.لذا بر آن شدند که با تاکید بر اشتراکات و دوری از دامن زدن به‏ اختلاف کهنه پیشین،به هم بپیوندند و صف واحدی را در مقابل ملحدان ایجاد کنند.

لازمه این نزدیکی و قرابت این بود که پیروان این دو دین شناخت دقیق و حتی الامکان‏ بی واسطه‏ای از حالات و عقاید یکدیگر داشته باشند.لذا به سرعت در پی انجام این مهم‏ بر آمدند و طولی نکشید که مطالعات بین الادیانی وسیعی انجام گرفت و علم ادیان به‏ جمع دیگر علوم آکادمیک پیوست.

مقاله حاضر،با دیدی واسع و جامع،مطالعات مسیحیان را درباره اسلام،در گذشته‏ و حال بررسی می‏کند و با استنادات فراوان،نشان می‏دهد که اسلام شناسی(1)امروزه‏ یکی از مهم‏ترین دغدغه‏های غربیان است و البته این نکته هم گفتنی است که در این‏ میان،حساب دولت‏های سکولاری که به دلیل احساس خطر از جانب تمدن اسلامی،به‏ شناخت اسلام روی آورده‏اند،از اندیشمندان صادقی که جز در پی کشف حقیقت نیستند، جداست.

پیشینه مطالعات اسلامی در مغرب زمین را از سده‏های میانه یا قرون وسطا پی می‏گیریم.آنگاه‏ که مسیحیان به اسلام خصمانه می‏نگریستند و آن را بدعتی کفر آلود و انحرافی از مسیحیت می‏انگاشتند در طول قرن‏ها اسلام به عنوان نهضتی یا فرقه‏ای‏ دجال وار و ضد مسیح پنداشته می‏شد و در گرد همایی کشیشان رم به سال 1590 در ماربورگ‏ نیز همین نگرش چیرگی داشت.اسلام به عنوان‏ تنها دین بزرگی که پس از دین مسیح ظهور کرده‏ است،تهدید سیاسی بزرگی برای اروپای غربی و دشمن خطرناکی برای جهان مسیحیت به شمار می‏رفت.فتح اسپانیا به دست مسلمانان و پیروزی‏های چشمگیر سیاسی و نظامی اسلام نیز در رواج این پندار،سهم به سزایی داشت.تحریف‏ نام حضرت محمد(ص)به واژه اسکاتلندی ماهوند(2) یا تصویری که دانته(3)در کتابش از پیامبر ترسیم کرده‏ و او را به عنوان یکی از مخالفان و دشمنان مسیح‏ در کنار یهود(4)قرار می‏دهد،بیانگر احساس‏ بسیاری از مسیحیان قرون وسطا در مورد اسلام‏ است.این عقیده که اسلام فرقه‏ای بدعت آلود(5) از مسیحیت است و کسانی همچون یوحنای دمشقی(6) طرفدار آن بودند،حتی توسط کسانی مانند فون‏ هارتناک(7)نیز تکرار شده است.حتی گاه دیده شده‏ است که توحید دقیق اسلامی را با بت پرستی‏ شرک آمیز یکی گرفته‏اند.

شناخت اسلام و کشورهای عربی در اسپانیا، بیش از هر جای دیگری بود.نخستین ترجمه قرآن‏ به زبان لاتین در سال 1143 توسط روبرتوس(8)و به دستور پیتر معظم(9)از اهالی کلنی انجام گرفت‏ و رساله‏ای در مورد تاریخ اسلام نیز به آن ضمیمه‏ شد.در همان زمان،ترجمه‏های بسیاری از متون‏ عربی انجام گرفت و جهان غرب با آثار علمی‏ مسلمانان آشنایی یافت و یک قرن بعد،این رشد محور اصلی بحث‏های متکلمان مسیحی قرار گرفت،تا جایی که حتی از استدلال‏های کلامی‏ اسلامی او علیه مخالفان وحی و دشمنان مشترک‏ ادیان الهی استفاده می‏کردند.در قرن سیزدهم، علم کلام اسلامی با این هدف،مورد مطالعه قرار می‏گرفت که از طریق آن،بتوان مسلمانان را مسیحی کرد و چهره بر جسته در این میدان ریمون‏ لول(10)بود(او در سال 1316 در توریس به قتل‏ رسید)که آثار او،نشانگر شناخت وسیع او،از عرفان اسلامی است.جنگ‏های صلیبی،مسیحیان‏ و مسلمانان را رویاروی هم قرار داد و سفرهای‏ راهبان وابسته به فرقه فرانسیسکن(11)پس از سقوط بغداد به دست حکمرانان مغول،جایی که آنان به‏ دنبال یافتن متحدانی علیه مسلمانان بودند،دست‏ کم موجب کسب اطلاعاتی سودمند درباره شیوه‏ زندگی شرقی بود.

در قرن پانزدهم نیکلاس کوزانوس(12)، رساله‏ای تحت نام«تصفیه و وارسی قرآن»(13) نگاشت،که مثل همیشه هدف‏های تبلیغی را دنبال‏ می‏کرد و فتح قسطنطنیه و گسترش نفوذ امپراتوری‏ عثمانی موجب پیدایش موج جدیدی از نفرت و رعب نسبت به مسلمانان شد.در ترانه‏های عامیانه‏ آلمانی در قرن شانزدهم و هفدهم،تعبیر«دین‏ ترکان»(14)در مورد اسلام به کار رفته است که کاملا نادرست و بی‏معناست.لوتر(15)علیه«پاپ‏ها و جنایات ترکان»(مسلمانان)چیز می‏نوشت و ملانکتون(16)،پیامبر اسلام را آلت دست شیطان‏ می‏دانست(17)،همان که کتاب دانیال با تعبیر«شاخ‏ کوچک»از آن یاد شده است.او مقدمه‏ای بر ترجمه‏ لاتینی قرآن توسط کنتسیس نوشت که در سال‏ 1543 یعنی چهار صد سال پس از ترجمه آن در شهر بازیل(18)به چاپ رسید.

این چاپ،محور قدیمی‏ترین ترجمه ایتالیایی‏ قرآن در سال 1547 قرار گرفت که خود همین‏ ترجمه در سال 1616 به آلمانی و در سال 1641 به‏ زبان هلندی ترجمه شد.

علاقه به مطالعات اسلامی در اروپا به قرن‏ شانزدهم باز می‏گردد.پس ازو.پوستل(19)(در \*در عصر روشنگری فهم جدید و دقیقی درباره اسلام برای غربیان‏ پدید آمد.سفرنامه‏های‏ بازرگانان،مبلغان دینی و جهانگردانی که به شرق سفر کرده بودند،اطلاعات مستقیم‏تر و مطمئن‏تری نسبت به اسلام در اختیار آنها قرار داد و موضع‏ غیر دینی و غیر روحانی‏ فیلسوفان وابسته به نهضت‏ روشنگری و علاقه و گرایش آنان‏ به شناساندن جایگاه واقعی‏ شرق،منجر به پیدایش‏ تلاش‏های جدیدی برای شناخت‏ اسلام و بنیانگذار آن شد.

گذشته به سال 1581)که شخصی نسبتا متعصب‏ بود،شاگرد اوج.اسکالیجر(20)-بدون هر گونه‏ هدف تبلیغی-به مطالعه زبان عربی پرداخت و در کتاب خود به نام«کشف تاریخ هجری»به تعیین‏ معنای تاریخ هجری پرداخت و بدینسان راه را برای‏ شناخت تاریخ اسلام و متون آن گشود.اما در مجموع،وجود آثار ضد اسلامی در اروپا همچنان‏ ادامه داشت.پاپ الکساندر هفتم چاپ و ترجمه‏ قرآن را ممنوع کرده بود،اما با اینهمه در سال‏ 1694 ترجمه‏ای از قرآن توسط یک کشیش طرفدار لوتر به نام هینکلمان(21)در هامبورگ به چاپ‏ رسید.ترجمه دیگری نیز در سال 1698 به همراه‏ ترجمه لاتینی قرآن توسط ماراکچی(22)انجام گرفت‏ که از متون و منابع متعدد عربی استفاده کرده بود و مقدمه‏ای تحت عنوان«مقدمه‏ای در رد قرآن»نیز به‏ آن افزوده بود.

علاقه علمی واقعی نسبت به مطالعه متون‏ اسلامی و عربی در هلند پدید آمد،تئودور ارپنیوس(23) (در گذشته 1624)برای نخستین بار به تصحیح‏ متون کهن عربی پرداخت و اهمیت ناشناخته سنت‏ در زندگی و اندیشه مسلمانان را دریافت.کتابی که‏ او درباره دستور زبان عربی نگاشت،نزدیک به‏ دویست سال مورد استفاده بود و جانشین او به نام‏ گولیوث(24)(در گذشته به سال 1667)به گرد آوری‏ و تدوین نخستین فرهنگ لغت عربی پرداخت. تحقیقات در مورد تاریخ اسلام،با کتاب«تاریخ‏ شرق»توسط محقق سوییسی به نام هوتینگر(25)آغاز شد و ای.پوکوک(26)،نخستین استاد زبان عربی‏ در دانشگاه آکسفورد،کتابی در مورد«تاریخ اسلام» نوشت و حواشی و توضیحات و پانوشت‏های‏ بسیار سودمندی در مورد اعراب جاهلی و دین‏ اسلام بر آن افزود.

پسر و جانشین او در سال 1671 به ترجمه‏ داستان فلسفی«حی ابن یقظان»نوشته ابن طفیل‏ پرداخت.بارتولومه هربلوت(27)(در گذشته‏ 1695)هر چند که مسلمانان را افرادی شیاد و حقه باز می‏انگاشت،اما به گرد آوری مجموعه‏ ارزشمند«کتابشناسی شرق»پرداخت.

تنها در عصر روشنگری بود که فهم جدیدی‏ در مورد اسلام پدید آمد.سفر نامه‏های بازرگانان، مبلغان دینی و جهانگردانی که به شرق سفر کرده‏ بودند،اطلاعات مطمئن‏تر و مستقیم‏تری را نسبت‏ به جهان اسلام در اختیار غربیان قرار می‏داد و موضع غیر دینی و غیر روحانی فیلسوفان وابسته به‏ نهضت روشنگری و علاقه و گرایش آنان به‏ شناساندن جایگاه واقعی شرق در تاریخ جهان، منجر به پیدایش تلاش‏های جدیدی برای شناخت‏ اسلام و بنیانگذار آن شد.

بولان ویلیرز(28)در کتابش که پس از مرگ او در سال 1730 انتشار یافت،حضرت محمد(ص) را بسیار مورد ستایش قرار داد و هـ.رلاند(29)به‏ رغم آنکه به طور رسمی اعلام داشته بود که از اسلام‏ متنفر است،در کتابش به نام«دین محمدی»ادعا کرد که دین اسلام آنقدرها هم که مسیحیان عقیده‏ دارند بی معنی و نامعقول نیست.گاگنیه(30)در سال‏ 1723،زندگینامه نسبتا جدیدی در مورد پیامبر اسلام به زبان لاتینی ترجمه کرد و قصدش این بود که نشان دهد مسلمانان چگونه تصوری از پیامبر خود دارند و درباره او چگونه می‏اندیشند.نمونه‏ شاخص متفکران این دوره،ولتر(31)است که‏ موضعی دو گانه و دو پهلو داشت.او در«رساله‏ آداب و رسوم»(32)،حضرت محمد(ص)را به‏ عنوان یک رهبر،قانونگذار و روحانی مورد ستایش‏ قرار داد،اما در کتاب«محمد و تعصب گرایی»(33)که در سال 1741 انتشار یافت، او را نمونه نفاق و ریا کاری معرفی کرد.

ترجمه س.سیل(34)از قرآن کریم که در سال 1734 همراه با مقدمه‏ای تحت عنوان«گفتار مقدماتی»به چاپ رسید،از ترجمه‏های پیشین‏ قرآن،بسی متین‏تر و استوارتر و پخته‏تر است و به‏ طور چشمگیری بر ادبیات قرن هیجدهم تأثیر گذاشته است.ترجمه‏های آلمانی قرآن توسط اشخاصی مانند د.ف.مسرلین(35)(در سال 1772) و ف.ی.بویزن(36)(1773)به چاپ رسید،اما این‏ سخن ریماروس(37)همچنان در حق بسیاری از نویسندگانی که درباره اسلام چیزی نوشته صادق‏ می‏افتد که گفته است:

«من مطمئن هستم که در میان کسانی که اسلام‏ را به این یا آن خطا متهم می‏کنند،بسیار اندک هستند کسانی که قرآن را خوانده باشند و باز بسیار اندک‏ترند کسانی که قرآن را با نیت درست فهمیدن‏ و با توجه به معنای مناسب و صحیح الفاظ آن‏ خوانده باشند.»

مطالعه واقعی و عملی موضوعات اسلامی در مدرسه‏های مطالعات شرقی در پاریس و وین، موجب پدید آمدن شناخت بهتر و کاملتری از زبان‏ها و آداب و رسوم اسلامی گشت.این‏ ج.ج.ریسکه(38)(در گذشته 1774)بود که به یمن‏ تحقیقات به دور از تعصب‏اش در مورد متون عربی، تا آنجا که در اروپا موجود و در دسترس بود، توانست برای نخستین بار تاریخ اسلام را در چار چوب تاریخ جهانی قرار دهد.

شگفت‏آور است که آدمی می‏بیند گوته(39)به‏ رغم فقدان منابع قابل اعتماد،در یادداشت‏ها و رساله‏های مربوط به«دیوان شرقی»اش،توانسته‏ است آنچنان زیبا و به نحو عالی به توصیف و تشریح‏ شخصیت پیامبر و رسالت او بپردازد.سخنان او درباره شعر اسلامی هنوز هم همچنان معتبر است. او به طور عظیمی مدیون فون هامر پورگشتال(40) در گذشته 1856)است که مترجم و گردآورنده‏ خستگی ناپذیری بود و چشم اندازی جدید بر روی‏ تقریبا تمامی شاخه‏های رشته مطالعات اسلامی‏ گشود،بدون اینکه جایی برای انتقاد علمی در مورد آثار متعددش باقی گذارد.در همان زمان،سیلوستر دوشاسی(41)(در گذشته 1838)و شاگردانش، موفق به تدوین ضوابطی برای نقادی علمی متون‏ عربی تصحیح شده گشتند و معیارهای زبانشناسی‏ کهن را در تصحیح و تدوین متون عربی،ترکی و فارسی به کار بستند و اسلام شناسی را به عنوان یک‏ رشته علمی مستقل و متمایز در آوردند.

تحقیقات علمی قرن نوزدهم،موجب پیدایش‏ شمار قابل توجهی از منابع بسیار مهم در مورد تاریخ‏ اسلام شد،که در نتیجه آن،مورخان توانستند به‏ تدریج جایگاه مطمئن‏تری در کاوش‏های تاریخی‏ مربوط به اسلام به دست آورند.پرتوهای جدیدی‏ بر زوایای زندگی پیامبر و حوادث مربوط به آن‏ افکنده شد.با نگارش کتاب«زندگی محمد»توسط ج.ویل(42)در سال 1843 گرایش‏ها و روش‏های‏ جدیدی در این زمینه پدید آمد.او در کتاب‏ «شناخت خلافت»شرح مفصلی در مورد مهمترین‏ نهادهای اسلامی تا زمان سقوط بغداد ارایه داد که‏ بر پایه متون و منابع عربی قرار داشت و جلد دیگری‏

در مورد سیر خلافت در قرون بعدی نیز به آن افزود (62-1846).مرحله جدید شناخت اسلام و مطالعات نوین بر معرفی پیامبر تأثیراتی داشته‏ است.(44)ا.اشپرانگر(45)(5-1861)بر ضعف‏های بشری پیامبر تأکید کرد و کوشید تا ظهور اسلام را پایه ضرورت‏های اجتماعی و روانشناختی‏ تفسیر کند،او در عین حال مواد و مطالب جدیدی‏ در این مورد ارایه داد و اهمیت فرهنگ اسلامی را به غربیان شناساند.ل.لرهل(46)(1884)در مطالعات خود پیرامون پیامبر و اسلام به احادیث‏ تکیه کرد،در حالیکه مارگولیوث(47)هنوز پیامبر را یک شیاد معرفی می‏کرد و می‏کوشید تا برخی از حوادث زندگی او را از طریق دانش فرا رواشناسی‏ توضیح دهد.از سوی دیگر گریم(48)به پیامبر به‏ عنوان یک سیاستمدار و مصلح اجتماعی که نظام‏ دینی او قویا مبتنی بر نظام سیاسی او بود،نگاه‏ می‏کند.زندگینامه دیگری که از حیث دیدگاه و مضمون بسیار شبیه به اثر یاد شده است،اثر معتدل‏ و هوشمندانه ف.بوهل(49)است که از دیدگاهی‏ عینی و همه جانبه به زندگی و محیط عصر پیامبر می‏نگرد.

در همین دوره؛مطالعات مربوط به سیر تکامل‏ وحی قرآنی،چشم انداز نوینی در تاریخ اسلام‏ گشود.فون کرمر در استرالیا،نخستین تاریخ‏ فرهنگی اسلامی را عرضه کرد که هنوز نیز شایسته‏ خواندن است.اثر دوران ساز تئودور نولد که به نام‏ «شناخت قرآن»(1860)که بعدا توسط ا.شوالی(52)(1909)ویرایش و تفصیل یافت و پس‏ از آن نیز به تصحیح ج.برگشتراسر(53)و او. پرتزل(54)به چاپ رسید،هدفش نشان دادن تحول‏ تاریخی قرآن و چگونگی ترتیب یافتن سوره‏های‏ آن بود.در همان زمان،ولهاوزن(55)با نگاهی دقیق‏ و تیز بینانه که خاص یک تاریخنگار منتقد است، مطالعات ارزشمندی در مورد تاریخ صدر اسلام به‏ عمل آورد و عصر جاهلیت را مورد بررسی قرار داد و تحقیق استادانه‏ای در مورد پیدایش نخستین‏ اختلاف میان مسلمانان و چگونگی پیدایش فرقه‏ «خوارج»انجام داد.تحقیق او در مورد خوارج و شیعه،آنچنان با ارزش است که مطالعه آن مثل‏ کتاب«تاریخ امویان»(1902)بر هر مورخی واجب‏ است(56).محققان هلندی تحت راهنمایی توانمند م.ج دو گوژه(57)(در گذشته 1909)به تصحیح‏ متون تاریخی اسلامی پرداختند و کتاب«طبقات‏ ابن سعد»را با حمایت مالی آکادمی علوم در برلین، از سال 1904 به بعد ویرایش و منتشر کردند.

با تحقیقاتی که نولدکه(در گذشته 1930)این کاشف و مبتکر بزرگ تحقیق در تاریخ قرآن و محقق‏ زبان‏های آرامی و فارسی انجام داد و با پژوهش‏های‏ دقیق و موشکافانه ولهاوزن که روش نقادی را در تحلیل تاریخ صدر اسلام به کار گرفت(علاوه‏ بر اینکه در مطالعات انجیل شناسی نیز نقش عظیم‏ داشت)،مطالعات اسلامی پیشرفت شایانی یافت.

اما چنانکه مشهور است بزرگترین محقق و نماینده تحقیقات شرق شناسی،گلدزیهر(58)بود که‏ در سال 1890 کتابش را به نام«بررسی‏هایی درباره‏ اسلام»منتشر ساخت که در آن به بررسی احادیث‏ اسلام و تأثیر آن در عقاید اسلامی و جامعه مسلمانان‏ پرداخت.کتاب دیگر او،تحت عنوان«روش‏های‏ تفسیری در اسلام»(1920)نیز یکی از آثار مهم‏ در تاریخ تفسیر قرآن-این کار در مقیاسی کوچکتر و متناسب با عصر ما توسط ج.م.ف بالجون‏ (59)پیگیری شده است.نخستین اثر او که در مورد مذهب فقهی ظاهری نگارش یافته همانقدر اساسی‏ و با اهمیت است که آثار بعدی او درباره غزالی و ردی که از باطنیه به عمل آورده است،خلاصه و لب‏ مطالعات وسیع او که در ضمن رساله‏های کوتاه و مقالات وزین و ارزشمندی نیز ارائه شده است، در اثر او به نام«خطابه‏هایی درباره اسلام» (1910)آمده است که می‏توان آن را همچون‏ مقدمه‏ای بر دانش جدیدی که رشته اسلام شناسی‏ خوانده می‏شود آورد.(60)

علاوه بر گلدزیهر و نولدکه،محقق هلندی، اسنوک هورگرونج(61)(در گذشته 1963)بیشترین‏ کمک را به گسترش اسلام شناسی کرده است. مطالعه او در مورد حج که در کتابهایش به نام‏ «جشنواره مکه»آمده است،همچنین تحقیقات او در مورد فقه اسلامی که در طی فعالیت‏هایش در اندونزی بگونه‏ای عملی و تجربی با آن آشنا گشته‏ بود و مقالات متعدد او،در مورد تحولات جدید درون اسلام،از اهمیتی خاص برخوردار هستند. محققان هموطن او نیز کمک‏های شایانی به‏ مطالعات مربوط به جنبه‏های فقهی اسلام و اسلام‏ در اندونزی کرده‏اند.

نقادی‏های گلدزیهر در مورد حدیث به طور کلی‏ مقبول واقع شد،هر چند محققانی مانند لامنس(62)بگونه‏ای‏ افراطی درباره حدیث و لزوم عدم بکار گیری آن،با او مخالفت کرده و با روشی شدیدا انتقادی و افراطی،به تحلیل شخصیت پیامبر پرداختند. علاقه به مطالعه تاریخ عرفان اسلامی نیز به نوبه خود رو به رشد گذاشت.مک دونالد(63)اثر ارزشمندی‏ به نام«موقعیت و زندگی دینی در اسلام»(1909) پدید آورد و مطالعه جدی عرفان اسلامی‏ در سال 1822 با کتابی که ثولوک(64)تحت عنوان‏ «تصوف و حکمت وحدت وجودی ایرانی» نگاشت،آغاز شد و بعدها به صورت موضوع‏ اختصاصی تحقیقات مهم نیکلسون(65)در آمد که‏ تمامی عمر خویش را به پژوهش درباره تاریخ عرفان‏ \*ریما روس می‏گفت:من مطمئن‏ هستم که در میان کسانی که‏ اسلام را به این یا آن خطا متهم‏ می‏کنند،بسیار اندک هستند کسانی که قرآن را خوانده باشند و باز بسیار اندک‏ترند کسانی که‏ قرآن را با نیت درست فهمیدن و با توجه به معنای مناسب و صحیح الفاظ آن خوانده باشند.

\*علاقه به مطالعه درباره تاریخ‏ اجتماعی و اقتصادی اسلام، همینطور کمک اسلام به علم‏ پزشکی و فلسفه،امروزه رو به‏ افزایش است.

اسلامی و متون عرفانی وقف کرد.

او به چاپ«گزیده اشعار دیوان شمس» (1898)پرداخت و نسخه‏های خطی متون عرفانی‏ را تصحیح و مثنوی رومی را نیز همراه با توضیحات‏ ارزشمندی ویرایش و منتشر کرد.همه این‏ فعالیت‏های پژوهشی در راستای واحدی با تحقیق‏ در عرفان اسلامی ارتباط داشت.اثر ماسینیون(66)درباره‏ حلاج،که از چهره‏های مهم عرفانی اسلامی‏ است،دوره جدید را در شناخت عرفان اسلامی‏ پدید آورد و نشانگر علاقه ژرف و شخصی مولف‏ بود.نسلی از محققان فرانسوی در سال‏های اخیر، کار او را پی گرفته‏اند و آثار مهمی در زمینه سیر تحول عرفان و کلام اسلامی پدید آورده‏اند که از آن‏ میان می‏توان از لویی گارده(67)و جورح قنواتی(68) نام برد.فعالیت‏های تحقیقی عالمان کاتولیک،نه‏ تنها در قاهره و بیروت،بلکه در تمامی نقاط جهان‏ و رویکردهای جدید آنان مبتنی بر فهمی همدلانه از اسلام و ارزش‏های باطنی و معنوی آن،یکی‏ از برجسته‏ترین جنبه‏های اسلام شناسی جدید است‏ (اثر ارزشمند اشتیگلکر)(69)به نام«شناخت اسلام» یکی از این نمونه‏هاست.هانری کربن(70)که شاگرد ماسینیون بود،به تحقیق درباره دشوارترین مسایل‏ عرفانی شیعی پرداخته است و اسرار باطنی و ابعاد معنوی عقاید مذهب شیعه را که مدت‏ها مورد تفسیرهای نادرست قرار می‏گرفت،باز نموده است‏ و خود عقاید شیعی و جهان‏نگری آن را نیز پس از آنکه سالیانی دراز به ناحق مورد غفلت قرار گرفته بود.کسانی مانند هاجسن(71)و اشتروتمان(72) که از محققان آلمانی هستند و در مورد علم حدیث و مذهب زیدیه کار کرده‏اند،مورد بررسی قرار دادند و پژوهش درباره مذهب اسماعیلی نیز در طول‏ چندین دهه موضوع ویژه پژوهشی ایوانف(73) بوده است،در حالی که حقوقدان اسماعیلی هندی‏ به نام فیضی(74)نیز می‏کوشد تا از دیدگاه خاص‏ خود به تفسیر جدیدی از شریعت و فقه اسلامی‏ دست یابد.

یکی از پژوهشگرانی که به شناخت بهتر اسلام‏ و به ویژه شخصیت پیامبر کمک کرده است،مورخ‏ ادیان سوئدی یعنی توراندرا(75)است.او در اثر عمده و ارزشمندش به نام«شناخت شخصیت و زندگی پیامبر»به نشان دادن ارزش و احترامی که‏ عارفان مسلمان و توده مومن برای پیامبر قائلند، پرداخته است.رساله کوچک او تحت نام«محمد» (1932)نیز خواندنی‏ترین و همدلانه‏ترین‏ زندگینامه‏ای است که تا کنون درباره پیامبر اسلام‏ نگاشته شده است.

همینطور مطالعات او درباره«رابطه مسیحیت‏ و اسلام»(1925)،گام مهمی در پیشرفت و رشد مطالعات اسلامی بوده است.او از منابع یهودی‏ درباره اسلام که توسط محققانی مثل توری و کاتش‏ مورد بررسی قرار گرفته بود،استفاده کرد و رساله‏ای‏ ارزشمند درباره دوره پیدایش اسلامی و زندگی‏ دینی در صدر اسلام به نگارش در آورد که از آثار مهم‏ او به شمار می‏روند.

رشته اسلام شناسی در انگلستان به وجود آثار سرتوماس آرنولد(76)درباره«دعوت اسلام»، «خلافت»و مطالعات او پیرامون نقاشی اسلامی، «میراث اسلام»که توسط آلفرد گیلوم ویرایش‏ شده،مباهات می‏کند.افزون بر این،باید از آثار آربری که ادامه دهنده سنت پژوهشی نیکلسون‏ در مورد عرفان اسلامی و ترجمه متون اصلی آن‏ است،نام برد.همچنین از شخصیت‏های‏ برجسته‏ای به مانند ادوارد براون(77)سرهامیلتون‏ گیپ(78)و برنارد لوییس.(79)

مباحث کلامی اسلام،به طور کامل توسط تریتون و در سال‏های اخیر توسط مونتگمری وات(80)از اهالی ادینبورگ مورد تحقیق‏ قرار گرفته است.او پس از نگارش کتاب«جبر و اختیار در صدر اسلام»به نگاشتن زندگینامه پیامبر پرداخت و نشان داد که آگاهی ژرفی از جریان‏های‏ دینی،اقتصادی و اجتماعی و فعال در عصر پیامبر دارد و در نگارش شرح حال پیامبر،همدلی زیادی‏ از خود نمایان ساخته است.

مطالعه احادیث اسلامی و پیدایش علم کلام در اسلام توسط ونسینک(81)انجام گرفته که مقدمه‏ خوبی در مورد سیر تحول«عقاید مسلمانان»نوشته‏ است.استفاده از فهرستی که او برای احادیث تهیه‏ و تدوین کرده بر هر محقق اسلام شناسی واجب و ضروری است.رساله کوچک او درباره غزالی یکی‏ از بهترین آثاری است که در این مورد نگاشته شده‏ است.در سال‏های اخیر،ترجمه‏های جدیدی از قرآن،تقریبا به تمامی زبان‏ها صورت گرفته است‏ که از آن میان می‏توان به ترجمه انگلیسی بل(82)که‏ بر اساس ترجمه نولدکه و روش او در تقسیم بندی‏ سوره‏ها انجام شده،اشاره کرد.ترجمه قرآن‏ آربری(83)که به زیباییهای ادبی قرآن و سبک بیانی‏ ویژه آن توجه کرده نیز در خور ذکر است.ترجمه‏ فرانسوی بلاشر(84)-که شرح حال زیبایی نیز درباره‏ پیامبر نگاشته است-یکی از بهترین ترجمه‏های‏ قرآن به شمار می‏رود.ترجمه فرانسوی دیگری از قرآن که با روش تفسیری راست دینانه مطابقت دارد (و به لحاظ تعارضی که با دیدگاههای فرقه احمدیه‏ دارد از اهمیت خاصی برخوردار است).حمید الله‏ کتاب جالبی نیز درباره زندگی پیامبر نوشته که‏ «پیامبر اسلام»نام دارد و در آن شرح دقیقی از زندگی‏ رسول خدا آنگونه که یک مسلمان نو گرا می‏اندیشد،ارایه داده است.محقق جامع نگر ایتالیایی،الکساندر بوزانی نیز که آثار الهام بخش و مهمی در زمینه شعر و ادب فارسی و اردو دارد، قرآن را به زبان مادری‏اش ترجمه کرده است. ترجمه آلمانی قرآن توسط ر.پارت(86)نیز ترجمه‏ای‏ بسیار دقیق است و نشانگر زحمات و باریک بینی‏ نویسنده دانشمند آن است.

در تکمیل این پژوهش‏ها در سالهای اخیر،تنی‏ چند از محققان مسلمان و حتی یک پژوهشگر ژاپنی‏ به نام ایزوتسو(87)کوشش‏هایی را در جهت تحلیل‏ مضامین قرآن،مفاهیم و واژه‏های آن آغاز کرده‏اند و در این راه از روش‏های علم زبان شناسی کمک‏ می‏گیرند و به نظر می‏رسد نتایج درخشان و جالبی‏ داشته است.

کشف بسیاری از نسخه‏های خطی که پیشتر ناشناخته باقی‏مانده بودند و در کتابخانه‏های‏ کشورهای شرقی بویژه در استانبول نگهداری‏ می‏شوند،تا حدود زیادی مدیون زحمات توانفرسا و آثار شگفت انگیز هلموت ریتر است که نه تنها بسیاری از آثار ادبی و عرفانی ارزشمند اسلامی را تصحیح و ویرایش کرده است،بلکه اگر بخواهیم‏ تنها به مفصل‏ترین اثر او به نام«دریای جان» اشاره‏ای کرده باشیم،باید گفت که گزارش‏ حیرت انگیزی از شعر و اندیشه عرفانی ایران به‏ دست داده است.عرفان اسلامی به طور کامل‏ توسط محقق سوئیسی فریتزمایر(89)مورد مطالعه و تحقیق قرار گرفته است که متون بسیاری را در این‏ زمینه تصحیح کرده و همراه با توضیحات لازم به‏ چاپ رسانده است.مطالعه آثار او برای هر محققی‏ که بخواهد در زمینه تاریخ عرفان اسلامی پژوهش‏ کند واجب و اجتناب ناپذیر است.تحقق درباره‏ سلسله‏های تصوف هر چند که هنوز در آغاز راه‏ است،اما توسط کسانی همچون‏ ج.ک.بریگه(90)،ر.برونل(91)، هـ.ج.کیسلینگ(92)و دیگران انجام گرفته است.

از سوی دیگر،آگاهی ما از منابع و نیز تکامل‏ فقه اسلامی پس از مطالعات تئودور جوین بول(93)، ساچائو(94)و سانتیلانا(95)از طریق تحقیقات‏ شاخت که اثر او به نام«منابع فقه اسلامی»(1950) دیدگاه جدیدی در شناخت فقه اسلامی پدید آورده، بگونه‏ای چشمگیر افزایش یافته است.اجرای‏ احکام فقهی در جوامع جدید نیز توسط آندرسون(96)مورد پژوهش واقع شده است.

مسایل مربوط به گرایش‏های اسلامی جدید توسط محققان زیادی در روزگار ما مورد بحث و تحقیق قرار گرفته است که از آن میان باید از ویلفرد کتول اسمیت(97)یاد کرد که آثاری همچون‏ «اسلام در هند جدید»را نگاشت که بر خلاف نظر برخی کسان،هنوز نیز کتاب معیار در این زمینه به‏ شمار می‏رود.اثر دیگر او تحت عنوان«اسلام در جهان امروز»نیز مشمول همین حکم است.کسانی‏ مثل روزنتال(98)،ژمیر(99)و راندوت(100)،نیز تفسیرهای جالبی در مورد مسایل اندیشه جدید اسلامی ارایه کرده‏اند،این در حالی است که‏ اشخاصی مانند فون گروبنام(101)که دانش وسیعی‏ در مورد منابع کهن و جدید اسلامی و تأثیر و تجلی‏ آنها در ادبیات دارند،چندین بار به رشته‏های درهم‏ تنیده افکار و اعمال در اندیشه اسلامی معاصر پرداخته‏اند.

کتاب کنت کراگ(102)را باید از دیدگاه کاملا متفاوتی مورد توجه قرار داد،زیرا او به رغم‏ تمایلات تبشیری‏اش نگرشی را در مورد زندگی‏ دینی مسلمانان عرضه می‏کند که بسیار کمیاب‏ است.کتاب«عبادات اسلامی»اثر کنستانس‏ پادویک(103)در خور توجه ویژه است که با همدلی‏ بسیار زیاد،به تحقیق درباره موضوعی تقریبا ناشناخته پرداخته و عبادات رایج در کشورهای‏ اسلامی را تشریح کرده است.

علاقه به تاریخ اجتماعی و اقتصادی اسلام، همینطور توجه به کمک اسلام به علم پزشکی و فلسفه نیز رو به رشد و افزایش است.کمک‏های‏ مسلمانان را که در سال‏های اخیر به مطالعه درباره‏ جنبه‏های گوناگون اسلام پرداخته‏اند و بگونه‏ای‏ جدی فرهنگ و دین و تاریخ خودشان را مورد پژوهش قرار داده‏اند،نباید فراموش کرد. کوشش‏های آنان در تفسیر و عرضه دین‏ خودشان(104)بسیار علمی و به دور از تعصب و بسیار جدی و عمیق بوده است.تفسیر عقاید اسلامی توسط مسلمانان اندیشمند از سراسر نقاط عالم و با فرهنگ‏های مختلف انجام گرفته و موجب‏ ارایه تصویر صحیح و دقیقی از اسلام شده است. می‏توان گفت«علم تاریخ ادیان»به ویژه تا حدی‏ از اسلام غفلت کرده و شاید همین غفلت سبب‏ بد فهمی برخی عالمان نسبت به اسلام بوده است‏ که آن را دینی فاقد اصالت و هر گونه جاذبه معنوی‏ بدانند.بخصوص باید گفت که روش‏ها و مقولات‏ رشته دین شناسی تطبیقی(105)مثل«پدیده شناسی‏ دین»(106)هیچ‏گاه عملا در مورد دینی که شمار پیروانش تنها نسبت به مسیحیت در درجه دوم قرار دارد،به کار گرفته نشده است.

(\*)منبع اصلی مباحث مطرح شده در مقاله حاضر رساله موجز و ممتع خانم پروفسور آنه ماری شیمل‏ است که تحت نام« malsI س و حجم 85 صفحه‏ در جلد دوم کتاب«تاریخ ادیان»ویراسته ویدن‏گرن‏ و بلیکر به چاپ رسیده و ما بخش آخر آن را که‏ عنوان«تاریخچه کوتاه رشته اسلام شناسی( trohS yrotsiH fo eht enilpisiD )دارد محور کار این مقاله قرار داده و پاره‏ای از قسمت‏های آن را به‏ شیوه‏ای نسبتا آزاد ترجمه و گزارش کرده‏ایم و گاه‏ به تناسب و اقتضای سیر بحث و افزودن به وضوح‏ مباحث،مطالب کوتاهی را بدان افزوده‏ایم.گفتنی‏ است که در این مقاله به نقل از اندیشمندان غربی‏ پاره‏ای داوری‏ها رفته است که مورد پذیرش نگارنده‏ نیست،اما به منظور رعایت امانتداری از حذف آنها اجتناب شده است،زیرا چه بسا در ارزیابی‏ شخصیت علمی این اسلام شناس و عرفان پژوه‏ نامدار روزگار ما و دیگر پژوهشگران غربی مؤثر باشد،یا موجب تصحیح دیدگاههای برخی کسان‏ در مورد تحقیقات اسلام شناسان غربی شود.

munoigileR , koobbdnaH rof eht ذ airotsiH yrotsIH fo snoigileR , edtidE yb : .C

ocuoy rekeelB dna oeG nergnediW , nediel , llirB ,1971,2 .sloV

(1) ygolomalsI

(2)- dnuohaM ) -liveD شیطان(

(3)- etnaD

(4)- eduY

(5)- ysereH

(6)- nhoJ fo sucsamaD

(7)- noV.A kcanraH

(8)- sutreboR sisneneteK

(9)- surteP silibareneV fo ynulc

(10)-. nomaR lluL

(11)- nacsicnarF

(12)- aolociN sunasuc

(13)-'' gnitfis fo eht narus

(14)- ehT hsikruT noigiler ز

(15)- rehtuL

(16)- nothcnaleM

(17)-در واقع یکی از بزرگترین اشتباهات مصلحان مسیحی، بی حرمتی و خصمانه نگریستن به دیگر ادیان بود.افزون بر خطاهای دیگری که مارتین لوتر و همفکرانش در موضعگیری‏های سیاسی و اجتماعی داشتند که باعث تضعیف‏ پایگاه مردمی و محبوبیت آنان در میان توده عوام و مؤمنان‏ مسیحی شد،اینگونه داوری‏های خطا آلود نسبت به دین‏ بزرگی مانند اسلام که نگرشی توحیدی در سراسر آموزش‏ها و جهان‏نگری آن متجلی و نمودار است،از یک مصلح دینی‏ به هیچ روی پذیرفته نیست و این نشانگر عدم شناخت و عدم‏ آشنایی پاره‏ای مصلحان با تاریخ ادیان است،چنانکه در مورد لوتر گفته‏اند که تاریخ کلیسا را نیز بخوبی نمی‏دانست.

(18)- lesaB

(19)- letsoP.W

(20)- regilacS.J

(12)- namlekcniH

(22)- iccaraM

(23)- suineprE.hT

(24)- suiloG

(25)- regnittoH

(26)- kcocoP.E

(27)- emolohtraB D ' otlebriH

(28)- sreillivnialuoB

(29)- dnaleR.H

(30)- reingaG

(31)- eriatlaV

(32)- iassE rus sel srueom

(33)- temohaM uo el emsitanaF

(34)- elaS.S

(35)- nilreceM.F.D

(36)- nesyoB.E.F

(37)- suramieR

(38)- eksieR.J.J

(39)- ehtoG

(40)- nov.J remmaH llatsgrup

(41)- retsevliS eD ycaS

(42)- liew.G

(43)- riuM

(44)-جای شگفتی نیست که این ادعاهای مهوع و رسوا شده‏ امروز نیز از زبان عفن و حلقوم گند گرفته کسانی همچون‏ سلمان رشدی بیرون می‏آید و افسانه بر ساخته«غرانیق» همچنان در ذهن غربیان رسوبی مهلک و زهر آلود دارد.پیامبر پاک اسلام که از نخستین دم آغاز رسالتش«رنة»و فریاد درد آلود شیطان و ناله یأس آلود او را به گوش دل صاحبدلان‏ روشن روان رسانید و عمر با برکت خویش را در مبارزه با شیطان و مظاهر پلیدی و شیطنت به سر آورد و به پای رسالت‏ سنگینش پیر شد کجا می‏تواند از شیطان تأثیر پذیرفته باشد؟ بلکه باید گفت اینچنین شیطنت‏ها و سخنان شیطنت آمیز غربیان مغرض است که نشانگر تأثیرات شیطان-و بویژه‏ شیطان بزرگ!-در افکار و اذهان آنهاست.

(45)- A.regnerpS

(46)- lherL.L

(47)- htuoilograM

(48)- emmirG.H

(49)- lhuB.F

(50)- nov.A remrek

(51)- ekdloN.hT

(52)- yllawhcS.A

(53)- ressartsgreB.G

(54)- izterP.O

(55)- nesuahlleW.J

(56)-باید هوشیار بود که در عین تحسین و ستایش از جنبه‏های‏ مثبت تحقیقات غربیان از اشتباهات و داوری‏های نادرست‏ آنان غفلت نکرد.حقیقت این است که پژوهش‏های‏ اسلام شناسان غربی غالبا آمیخته به اشتباهات و تفسیرهای‏ نادرست از عقاید و آرمانهای اسلامی است.برای نمونه‏ می‏توان به آثار پطروشفسکی و مونتگمری وات که به فارسی‏ ترجمه شده و با توضیحات سودمند استاد حکیمی و جناب‏ دکتر شهیدی آراسته شده مراجعه کرد تا صدق دعوی ما آشکار شود.

(57)- eD .M.J.ejioG

(58)- rehizdloG.i

(59)- nojlaB.F.M.J

(60)-در مورد گلدزیهر نیز نباید افراط کرد و تنها به تحسین و ستایش او پرداخت و اشتباهات او را نادیده گرفت،هر چند که از نظر روش شناسی،تحقیقات او دارای مزایا و ویژگی‏های‏ مثبتی است.در کار او مثل دیگر شرق شناسان و اسلام پژوهان‏ ضعف‏هایی وجود دارد که اکنون مجال طرح آنها نیست.

(61)- kcuonS ejnorgruH

(62)- snemmaL.H

(63)- dlanodcaM.D

(64)- kculohT

(65)- noslohciN.A.R

(66)- nongissaM.L

(67)- tedraG.L

(68)- itawanA.G

(69)- rekcelgeitS.P

(70)- nibroC.H

(71)- nosgdoH.M

(72)- nnamhtortS.R

(73)- II wonawI

(74)- eezyF.A.A.A

(75)- roT eardnA

(76)- riS samohT dlonrA

(77)- enworB.G.E

(78)- riS notlimaH bbiG

(79)- siweL.B

(80)- yremogtnoM.W ttaW

(81)- kcnisneW.Y.A

(82)- lleB.R

(83)- yrrebrA

(84)- erehcalB.R

(85)- inasuaB.A

(86)- teraP.R

(87)- ustuzI

(88)- rettiR.H

(89)- ztirF reieM

(90)- egirB.K.J

(91)- lenurB.R

(92)- gnilssiK.J.H

(93)- llobnyuJ.W.hT

(94)- uahcaS.E

(95)- anallitnaS.D

(96)- nosrednA.D.N.J

(97)- htimS.C.W

(98)- lahtnesoR.I.J.E

(99)- reimoy.P

(100)- todnoR.P

(101)- noV.G.E muabenurG

(102)- ggarC.K

(103)- ecnatsoC kciwdaP.E

(104)- fleS noitaterpretnI ذ

(105)- snoigileR tfahcsnessew

(106)- ygolonemonehP fo noigileR